

مورخ ۲۳ یا ۲۶ اکتوبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس: در بارهٔ فضیلت علم

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



مورخ ۲۳ یا ۲۶ اکتوبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در
پاریس:

در بارهٔ فضیلت علم^۱

(خطابات جلد اول، ص. ۶۴-۶۹)

هُوالله

اعظم فضائل عالم انسانی علم است. علم سبب ظهور فیض الهیست. علم کاشف اسرار است. علم نظیر آئینه ایست که صور اشیاء در آن مرتسم. علم به هر شخصی معلومات بر جمیع میدهد و هر فردی از افراد انسانیرا عبارت از جمیع بشر می کند. زیرا علم آنچه جمیع اکتشاف کرده اند یعنی معلومات جمیع بشر را بانسان تعلیم می کند. علم است که انسان را مطلع بر جمیع وقائع زمان سابق می نماید. علم است که انسان را کاشف اسرار مستقبل می کند.

^۱ نطق مبارک ۲ ذی القعدة سنه ۱۳۲۹ در منزل مبارک در پاریس ۲۳ اکتوبر سنه ۱۹۱۱



ORIGINAL



AUDIO

ملاحظه کنید که جمیع کائنات کبیره و صغیره اسیر طبیعتند. مثلاً آفتاب اسیر طبیعت است، جمیع سیارات جمیع نجوم ساطعه اسیر طبیعتند. عناصر اسیر طبیعتند. جماد و نبات و حیوان اسیر طبیعتند و از تقاضای طبیعت تجاوز نتوانند. این آفتاب باین عظمت از مدار خویش ابداً تجاوز نتواند و اراده ندارد، اسیر طبیعت است و حوش و طیور اسیر طبیعتند. دریای باین عظمت اسیر طبیعت است. کره ارض، اسیر طبیعت است، ادنی تجاوزی از قانون طبیعت نتواند. ولی انسان حاکم بر طبیعت است قواعد و احکام طبیعت را میشکند بر طبیعت حکم می کند. مثلاً بمقتضای طبیعت انسان ذی روح خاکبست مثل سائر حیوانات. مقام و مقرش خاکست. با وجود آنکه ذی روح هوائی و آبی نیست، قانون طبیعت را میشکند در روی دریا جولان میدهد محیط اکبر را قطع میکند در هوا پرواز می نماید و در زیر دریا سیر می کند. این قوه برقیه که مشاهده می کنید با وجود آنکه عاصی تر و سرکشتر از او قوه ئی نیست، چون بکوه زند تا بن خرق کند، ولی انسان او را میآورد حبس میکند. در دقیقه ئی شرق و غرب مخیره می نماید. صوت آزاد را در آلتی حبس نماید عکس انسانرا که سایه ئی زائل است، ثابت میکند. جمیع این امور خارق طبیعت است. این است که انسان حاکم بر طبیعت است این فضیلت را آیا انسان از چه حاصل کرده است؟ از علم حاصل شده.

پس معلومست که علم اعظم فضائل انسانی است. خرق عادات و هتک قوانین طبیعت مختص به علم است. حالا که خدا به انسان چنین قوه و استعدادی عنایت فرموده که خرق عالم طبیعت کند، حیف است این موهبت را در امور مضرّه تلف نماید. حیف است در بغض و عداوت مجری دارد. حیف است در ظلم و تعدّی صرف نماید. باید این قوت را در احیای نفوس مبذول دارد، در خیر عمومی صرف کند و در صلح و صلاح بکار برد در معموریت عالم و راحت نفوس و الفت و محبت بین بشر حصر نماید. اینست موهبتی که حقیقت انسان از آن تزیین یابد.

امیدوارم که تمام موفق به آن باشید، فکرتان این باشد که این نفوس دانا شوند و عموم تحصیل علوم و فنون کنند و زمان تحصیل علم از بدایت حیات تا نهایت حیات است، و به واسطه علم سبب محبت من علی الارض شوند و سبب صلح اکبر گردند تا به عون و عنایت الهیه بنیان جنگ بر افتد و اساس صلح و محبت گذاشته شود تا در دو جهان کامران گردید. در این خصوص من دعا میکنم که به آن موفق شوید.

